

رویکرد برنامه درسی میان رشته‌ای

فاطمه فرج پور بناب

۱ کارشناسی ارشد علوم تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران Farajpour97@yahoo.com

چکیده

بررسی و مطالعه چگونگی و نوع برنامه ریزی در نظام های آموزش عالی از دغدغه های مداوم محسوب می شود. در سال های اخیر، حوزه بین رشته - ای به عنوان یکی از مهم ترین حوزه های پژوهش در زمینه آموزش و به طور خاص در آموزش عالی از اهمیت زیادی برخوردار شده است. به منظور نیل به شکوفایی در جوامع دانش محور معاصر، یادگیرندگان نه تنها نیازمند شناخت و اندیشه ورزی های حاصل از رشته های گوناگونند، بلکه می بایست این اشکال دانش را به نحو مؤثری در هم آمیزند. جامعه علمی به طور فزاینده خواستار بهره گیری از دانش کاربردی و تلفیق و ترکیب معلومات برآمده از رشته های مختلف علمی است. ماهیت و گستره چالش های کنونی نیازمند ارتقای کارایی و مهارت های تعاملی از طریق تولید دانش کاربردی برآمده از پیوند و انسجام بین رشته های متعدد آکادمیک و حرفه ها و فشارهای جدید، بهره گیری از تمامی عوامل و نهادهای مؤثر در برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی و تعامل مستمر بین فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی و تحقیقات و ابداعات پیشرفته علمی و فنی به گونه ای است که رشته های موجود علمی پس از پیوند با یکدیگر ساختار مجدد یابند و شکل جدیدی به خود بگیرند.

واژه های کلیدی: برنامه ریزی درسی، میان رشته ای، آموزش عالی.

مقدمه

امروزه در مراکز آموزشی از ابتدایی تا دوره های تحصیلات تکمیلی یادگیرندگان سرگرم تحصیل و مربیان در حال آموزش و درس و موضوعات مجزایی هستند که هیچ پیوندی نه از جانب یادگیرنده و نه از طرف مربیان برقرار نشده است و ذهن فراگیران مانند جداول زمانی کلاس ها، قطعه قطعه شده است و هر بخش به موضوع خاصی اختصاص یافته است، به طوریکه دانشجویان قادر به استفاده از آموخته های خود در مواجهه با مسائل زندگی و اجتماع بیرونی نیستند. آموزش عالی همچون سایر نظام های اجتماعی از پیچیدگی ها و مسائل خاص خود برخوردار است. یکی از مهم ترین و حساس ترین حیطه های تصمیم گیری در نظام آموزش عالی، حیطه برنامه های آموزشی و درسی است. برنامه های درسی از ابزارهای مهم و اساسی تلقی می شوند؛ چرا که نقش شاهرگ اصلی را در خون رسانی به سایر اعضا و عناصر ایفا می نمایند. هر کدام از وظایف و رسالت های آموزش عالی اعم از تربیت نیروی انسانی متخصص، ارزیابی و توسعه نظام ارزشی و فرهنگ، تولید دانش، ارزیابی، تقویت و توسعه دانش موجود، توسعه پژوهش و پژوهشگری و کمک در حل مسائل و معضلات انسانی و اجتماع، پاسخگویی به نیازهای بازار کار و... همه در گرو بهره مندی دانشجویان نظام از برنامه های آموزشی مناسب است. نیازهای جوامع انسانی اعم از اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، ارزشی، دانشی، پژوهشی، محیطی و... در حال تحول است. به همین دلیل در سیر تحول آموزش عالی

ردپاهایی از رویکردها و مدل های گوناگون در برنامه ریزی و برنامه های آموزشی آن مشاهده می شود [۱]. نویسندگان بیشمار تعاریف متفاوتی از برنامه درسی بین رشته ای ارائه نموده اند. نوول (۱۹۹۸) آن را چنین تعریف نموده است: تعامل بین دو یا چند رشته مجزا و گوناگون. این تعامل ممکن است در سطوح متفاوتی انجام گیرد، از ارتباط ساده ایده ها تا تعامل دو جنبه مفاهیم، روش شناسی، فرایندها، واژه شناسی، داده ها و اطلاعات بین رشته های متنوع و سازماندهی تحقیق و آموزش در یک حوزه کاملاً وسیع [۲]. فین کنتال (۲۰۰۱) نیز چنین تعریف می کند: رویکرد بین رشته ای عبارتست از انتقال محض روش ها از یک رشته تحصیلی به رشته دیگر. این انتقال به سه شکل صورت می گیرد:

۱. انتقال روش، به طور مثال انتقال از یک رشته همچون فیزیک هسته ای که روش های آن در علم پزشکی و برای درمان بیماری سرطان استفاده می شود.

۲. انتقال به صورت یک ابزار معرفت شناختی، به طور مثال انتقال از رشته منطق به حوزه هایی از مطالعات حقوقی که از طریق آن تغییری در مبنای معرفت شناختی حقوق حاصل می شود.

۳. ایجاد یک رشته جدید از طریق ترکیب و تلفیق دو رشته مجزا [۳].

به طور کلی برنامه درسی میان رشته ای، پروژه ای فعال، تیمی و مبتنی بر اصول روان شناختی است که با رویکردی جامع نگرانه به شناسایی آگاهانه روابط بین موضوعات درسی مختلف، ورای مرزهای موجود پرداخته و آنها را به صورت هدفمند در یک مجموعه